گفت و گوی ویژه

گفت و گو با عبدالمجید حسینی راد رئیس مرکز هنرهای تجسمی وزارت ارشاد

بلندپروازی در مسیر سرنوشت و هنر

چنگیز محمودزاده

اتاق، همان اتاق قدیمی است با یک میز کنفرانس بزرگ و یک میز برای رئیس موزه هنرهای معاصر تهران که در طول سالهای اخیر، رئیس مرکز هنرهای تجسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی آن سمت را نیز برعهده می گرفتند. عبدالمجید حسینی راد که درسالهای اخیر هنگام ورود به این اتاق یکی از صندلی های میز کنفرانس را برای نشستن انتخاب می کرد حال از پشت میز دیگر بلند می شود و برای انجام مصاحبه یکی از صندلی های میز کنفرانس را انتخاب می کند. دکتر عبدالمجید حسینی راد، استاد دانشگاه پیش از پذیرفتن ریاست مرکز هنرهای تجسمی وزارت ارشاد و موزه هنرهای معاصر تهران نیز با مراکز هنری از قبیل مرکز هنرهای تجسمی، موزه هنرهای معاصر، فرهنگستان هنر و حوزه هنری در دوره های مختلف همکاری نزدیک داشت. با او درباره برنامه هایی که از این پس در مرکز هنرهای تجسمی اجرا خواهد شد و دیدگاههایی که نسبت به وضعیت این عرصه هنری در کشور دارد، گفت وگو کردیم که پیش رو دارید:

با وجود آنکه شما از مدت ها پیش در مرکز هنرهای تجسمی وزارت ارشاد، فرهنگستان هنر و حوزه هنری حضور داشتید، با تعیین شما به عنوان رئیس مرکز هنرهای تجسمی اولین سؤالی که پیش می آید؛ این است؛ چه تغییری در مدیریت هنرهای تجسمی کشور روی خواهد داد؟

شما مستقیم سر اصل مطلب رفتید. مرکز هنرهای تجسمی، مسؤول ترین بخش در مجموعه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است که سعی می کند زمینه های گسترش و تعالی هنر در داخل را به وجود بیاورد و از هنرمندان حمایت کند و در عین حال تلاش کند تا جریان هنری کشور را در خارج از کشور نیز به نمایش بگذارد. ضمن اینکه سعی می کند از آنچه در خارج از کشور اتفاق می افتد به عنوان رویدادهایی که می توانند در تعالی هنر ما تأثیرگذار و مؤثر باشند، بخشهایی را به جامعه هنری ایران انتقال دهد. به همین دلیل فکر می کنم نقش بسیار حساس، پیچیده و ظریفی دارد و به یک برنامه ریزی خیلی منظم، دقیق و هدفمندی محتاج است. مرکز هنرهای تجسمی در طی چند سال اخیر، متأسفانه تلاش قابل توجهی به عنوان مرکز هنرهای تجسمی نداشت. بیشتر نقش موزه هنرهای معاصر چشمگیر بود و شاید در نمای اول اتفاقات هنری در داخل کشور و خارج از ایران، موزه هنرهای معاصر بود که دیده می شد. درحالی که موزه از قابلیت های ملی و بین المللی برخوردار است و یک شخصیت شناخته شده دارد که باید از این ویژگی برای تعمیم و تعمیق هنر معاصر ایران استفاده شود. در عین حال باید نقش خود را به عنوان یک موزه هنر معاصر نیز ایفا بکند. در سالهای گذشته، موزه علاوه بر نقش خود، درگیر یک سری اتفاق های هنری هم بود که بیشتر به مرکز هنرهای تجسمی مربوط می شود. ما در آینده سعی خواهیم کرد وظایف مرکز در جایگاه خود اتفاق بیفتد و در عین حال بتواند به عنوان حامی هنر ملی و زمینه ساز هنر ملی در سطح کشور، گسترش پیدا کند. موزه هم باید در جایگاه خود بتواند با فارق شدن از فعالیت هایی که به مرکز مربوط می شود، فضای بیشتری برای فعالیت های خودش پیدا کند. بخشهای حمایتی دیگر نیز که تحت عنوان مؤسسه توسعه هنرهای تجسمی معرفی شده بود و هم اکنون نیز فعال است از حالت مؤسسه ای که صرفاً کار حسابداری مرکز هنرهای تجسمی و موزه هنرهای معاصر را انجام می داد، خارج شود و بتواند برای عنوانی که دارد تلاش کند و زمینه های توسعه و گسترش هنرهای تجسمی کشور رایدید بیاورد. این سه مجموعه در کنار هم کار خواهند کرد ضمن اینکه تلاش می کنیم تعامل بیشتری را با دیگر مراکز هنری در ایران برقرار کنیم تا از کارهای موازی و احیاناً متداخل و احیاناً سدکننده سیر تحولات هنر در کشور بتوانیم پرهیز کنیم.

منظورتان چه مراکزی است؟ مثلاً فرهنگستان هنر، حوزه هنری یا نگارخانه های خصوصی؟

نگارخانه های خصوصی چندان قدرت ندارند اما در کشور ما چندین مرکز وجود دارد. مثل فرهنگستان هنر که یک مرکز مقتدر است که فضای نمایشگاهی عظیمی در اختیار دارد و امیدواریم توسعه بیشتری هم پیدا کند. در عین حال دوسالانه های هنری مهمی مانند دوسالانه نقاشی و پوستر جهان اسلام را برگزار می کند و به عنوان قطبی از فعالیت های هنری ایران در تعامل با کشورهای دیگر مطرح است. همایش های مهمی مثل کمال الدین بهزاد و سلطان محمد را نیز در تجربه کاری خود دارد. از سوی دیگر حوزه هنری قسمت دیگری از کار را پوشش می دهد که یک بخش از هنر معاصر ما را نمایندگی می کند که منتسب است به هنر انقلاب و جایگاه و ارزشهای خاص خود را دارد. همچنین فعالیت حوزه هنری در شهرستانها گسترده تر است. در عین حال فرهنگسراها را داریم که فرهنگسرای نیاوران مهمترین آنهاست و می تواند در کنار این مراکز نقش خود را ایفا کند. به این ترتیب در واقع می خواهیم، تعاملی با این مراکز مختلف داشته باشیم که از امکانات، توانایی حرفه ای و تخصص لازم برخوردارند تا در کنار یکدیگر در مسیر بهبود شرایط جامعه هنری ایران پیش برویم. ضمن اینکه این همکاری برای فعالیت های خارج از کشور ما نیز می تواند مؤثر باشد و به جای آنکه چنین رویدادهایی به طور متفرق انجام شوند، می توانند شکلی متمرکزتر پیدا کنند. همین طور سعی خواهیم کرد با سازمانهایی که می توانند در رویدادهای خارج از کشور ما را یاری کنند؛ مثل سازمان ارتباطات اسلامی، همکاری نزدیکتری داشته باشیم. ضمن اینکه در طول این سالها در سطح کشور و شهرستان ها فعالیت چشمگیری نداشتیم و بیشتر فعالیت ها در تهران متمرکز شده بود. این فعالیت ها را می خواهیم در تمام کشور انجام دهیم تا حق هنرمندان شهرستانی نیز ادا شود.

علاوه بر آن به نظر من بخش های شهری هر شهرستان یا شهری می توانند به ما یاری برسانند. مثل شهرداری ها که وظایفی در ارتباط با سرویس دهی به بخشی از شهروندان دارند که هنرمند هستند. همانطور که شهرداری تهران این اقدام را انجام داد و خانه هنرمندان را برای سرویس دهی به هنرمندان بنا کرد. اما فکر می کنم با توجه به گسترش تعداد هنرمندان و فعالیت های آنان، بخش بسیار کوچکی است و جای آن را دارد که با مساعدت دوستان ما در شهرداری و شورای شهر تهران و دیگر شهرها با یک تعامل مثبت و گسترده تر، سرویس دهی به شهروندان هنرمند را افزایش دهیم و آنچنان که شایسته این بخش از جامعه است، اقدام کنیم.

شما به مؤسسه توسعه هنرهای تجسمی اشاره کردید که تا پیش از این به گفته خودتان نقش حسابداری مرکز هنرهای تجسمی و موزه را داشت یا ممکن بود فقط در ابتدای کتابها و کاتالوگ نمایشگاههایی که چاپ می شد، نام این مؤسسه را ببینیم. چه راهکار عملی برای فعال شدن این مؤسسه وجود دارد و چه تعریفی از چارچوب های فعالیت آن مشخص شده است که چنین توسعه ای را امکانپذیر می کند؟

مؤسسه توسعه هنرهای تجسمی از چنین استقلالی برخوردار است و در چارچوب استقلال خود می تواند به فعالیت بپردازد. در عین اینکه در کنار مرکز هنرهای تجسمی و موزه هنرهای معاصر قرار دارد و به آنها کمک می کند. یک بخش از فعالیت های آن به همان بحث انتشارات بازمی گردد که به آن اشاره کردید. اما تاکنون انتشارات به عهده موزه بود و مؤسسه منابع مالی آن را فراهم می کرد. درحالی که مؤسسه باید این نقش را به شکل جمع گیرتر، فعالانه تر و خلاقانه تر دنبال کند. حتی به دنبال یک بخش پژوهشی هم برای انتشارات باشد.

در اساسنامه این مؤسسه، تمام فعالیت های انتشاراتی و پژوهشی ذکرشده است. مؤسسه می تواند برای سامان دهی به وضعیت اقتصاد هنر فعالیت چشمگیری داشته باشد و اتفاق های پراکنده یا برپایی اکسپو را سامان دهی و حمایت کند و در عین حال نمایشگاههایی برای فروش آثار هنری را به شکل سالانه یا فصلی شکل بدهد. ضمن اینکه باید ارتباطات خود را با خارج از کشور نیز فعال تر کند تا آثار هنرمندان ایرانی به بازارهای جهانی راه پیدا کنند.

اینها کارهایی است که چون متأسفانه نگارخانه های کشور از قدرت کمی برخوردارند، قادر به انجام آنها نیستند و نمی توان از آنها توقع داشت؛ بلکه مؤسسه باید به آنها کمک کند تا این نقش را برعهده بگیرند.

ضمن اینکه در کنار این فعالیت ها، بحث حمایت از انجمن ها، گروههای هنری و هنرمندان مستقل وجوددارد که مؤسسه می تواند از آنها نیز حمایت کند. در بخش آموزش نیز همینطور. مؤسسه در سالهای گذشته دراین زمینه کاری انجام نداد غیر از آنکه در برخی شهرهای بزرگ سعی کرد فعالیت هایی را انجام دهد که متأسفانه نتیجه ای نداشتند. اگر برنامه ریزی صحیحی برای گسترش آموزش هنر در مؤسسه شکل بگیرد، می تواند در کنار مرکز هنرهای تجسمی، آموزش هنر را هم سامان دهی کند و هم تعمیق ببخشد.

درعین حال شاید کمی بلندپروازی باشد اما فکرمی کنم در کشورهای همجوار نیز باتوجه به پتانسیلی که ازطرف هنرمند، امکانات آموزشی و شناختی که هنرمندان ما در حیطه آموزش دارند، مؤسسه می تواند این نقش را در این کشورها نیز گسترش دهد. چرا که این کشورها ازنظر آموزش، فقیر و واردکننده هستند.

بنابراین در چشم انداز ابتدایی، کارهای بسیاری را می بینیم که برروی زمین مانده و عملاً نه وظیفه موزه هنرهای معاصر و نه در حیطه و توانایی مرکز هنرهای تجسمی است. مؤسسه چون می تواند به عنوان یک بخش خصوصی نیز فعالیت کند، دستش بازتر است.

شما در حال حاضر سرپرستی موزه هنرهای معاصر را نیز مانند مدیریت های گذشته برعهده دارید؟

بله.

آیا از نظر چارت سازمانی وقتی فردی ریاست مرکز هنرهای تجسمی را برعهده بگیرد، سرپرست موزه نیز می شود یا می توان آن را به فرد دیگری واگذار کرد؟

می شود آن را به فرد دیگری واگذار کرد.

باتوجه به مسأله ای که خودتان نیز به آن اشاره کردید و در دوره گذشته شاهد آن بودیم که به دلیل یکی بودن مدیریت مرکز هنرهای تجسمی و موزه هنرهای معاصر، تمام فعالیت ها به نام موزه انجام می شد، چرا شما سرپرستی موزه را به فرد دیگری واگذارنکردید؟

بخشی از مسأله ای که به آن اشاره کردید به مدیریت واحد مرکز و موزه بازمی گردد. ولی درعین حال یک مدیریت متمرکز می تواند به جهت گیری فعالیت های آنها کمک کند و در کنار هم قراردهد. هماهنگی های لازم دراین راه را یک مدیریت متمرکز می تواند انجام دهد. ضمن اینکه موزه به طور کلی در کنار مرکز هنرهای تجسمی است.

البته می تواند مدیریت مستقلی داشته باشد اما در سال های پس ازانقلاب مدیریت هردو آنها را معمولاً یک نفر برعهده می گرفت. الآن هم فکر می کنم باتوجه به همین هدف، مرکز هنرهای تجسمی و موزه هنرهای معاصر را یک نفر اداره می کند. ضمن آنکه می توان با اختیارکردن یک قائم مقام از بار مدیریتی سنگین آنها کاست تا هریک از این مراکز فعالیت های خود را بهتر انجام دهند. اما به نظر می رسد مشکل اصلی، این نیست.

منظورتان مسأله زیرسایه هم قرارگرفتن این دو نهاد است؟

بله. به نظر من مشکل اصلی از عدم برنامه ریزی دقیق برای هر یک از این دو مرکز مهم ناشی می شود. در واقع به دلایل مختلفی که فرصت بحث درباره آنها نیست، برنامه ریزی منسجم، پایدار و هدفمندی برای این دو بخش نداشتیم. به همین دلیل برخی از مباحث با هم خلط می شوند. سامان دهی درونی ساختار مرکز و موزه که وظیفه ابتدایی ما برای شروع کار است به همین دلیل انجام می شود. ما الآن داریم این سامانده ی را انجام می دهیم و تلاش می کنیم که موزه و مرکز، هرکدام کارخودشان را انجام دهند.

اجازه بدهید در ادامه گفت وگو کمی درباره مسائل به طور جزئی تر صحبت کنیم. اولین بحث به دوسالانه ها بازمی گردد. آیا در شیوه برپایی دوسالانه های هنری کشور تجدیدنظری انجام خواهدشد تا چنین رویدادهایی حداقل ازنظر زمانی، معنای حقیقی خود را داشته باشند؟ ازسوی دیگر در جریان برپایی هریک از این دوسالانه گروهی موافق و مخالف وجوددارند که این دو دستگی بر برگزاری دوسالانه ها تأثیر منفی دارد آیا دراین روند، تحولی روی خواهدداد؟

روند گسترش دوسالانه ها در سال های گذشته بسیارزیاد بود و الآن دوسالانه های متعددی مثل کاریکاتور، نقاشی، گرافیک، نگارگری و... داریم. این دوسالانه های متعدد اگر با یک برنامه ریزی دقیق و هدفمند هدایت شوند خوب است و می تواند به گسترش هنر در کشور ما کمک کند.

همین دوسالانه هایی که با تأخیر برگزارمی شوند نیز دراین مرد سیار مؤثر بودند. اما شاید لازم باشد یک نگاه اصلاح گرانه به این دوسالانه ها داشته باشیم. به نظرمن این دوسالانه ها می توانند یک دبیرخانه دائمی و مشترک داشته باشند.

چنین دبیرخانه ای می تواند در برنامه ریزی صحیح آنها، هدایت درست و فارغ از مسائل گروهی و جناحی برای مدیریت مناسب دوسالانه ها اقدام بکند. تاکنون چنین دبیرخانه ای وجودنداشت.

منظور این است که یک دبیرخانه واحد برای تمام دوسالانه ها شکل بگیرد؟

> مرکز هنرهای تجسمی، مسؤول ترین بخش در مجموعه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است که سعی می کند زمینه های گسترش و تعالی هنر در داخل را به وجود بیاورد و از هنرمندان حمایت کند و در عین حال تلاش کند تا جریان هنری کشور را در خارج از کشور نیز به نمایش بگذارد

بله. یک دبیرخانه واحد و مشترک.

دراین صورت از تمام رشته های هنری، هنرمندانی در آن حضور خواهندداشت؟

بله. اگر این دبیرخانه که درصدد شکل دادن به آن هستیم به وجود بیاید از نقش انجمن ها و گروههای هنری کاسته نخواهدشد بلکه از نیروهایی که آنها در این راه صرف می کنند با برنامه ریزی و مدیریت بهتری استفاده خواهدشد تا کیفیت برگزاری دوسالانه ها رشدکند و از مسائل انتقادبرانگیزی که همیشه مطرح می شود تا حدامکان پیشگیری کنیم.

ضمن اینکه به نظر من به هرحال باید از برپایی این دوسالانه ها به نتیجه ای برسیم. به آن نتیجه و هدفی که وجوددارد در طول این سالها به شکل هدفمندی به آن توجه نشد. استراتژی بهره برداری از دوسالانه ها درهمان دبیرخانه ای که گفتم دنبال می شود.

همچنین می باید تحولات هنری که در دوسالانه های کشور ارائه می شود درخارج از کشور نیز نمود پیداکند.

اگر برگزاری دوسالانه ها با هدف مشخصی پیش بروند می توانیم از نتایج آن در تعامل با کشورهای دیگر به نحومطلوبی استفاده کنیم و چهره تحولات هنری خود را درخارج از کشور ارائه کنیم. همچنین باید این تعاملات را در داخل کشور نیز تقویت کنیم و دورنمای برپایی دوسالانه ای منطقه ای در ایران را در ذهن داشته باشیم.

هدف و نتیجه ای که انتظار دارید از دوسالانه ها به دست بیاید و به آن اشاره کردید از نظر خودتان چیست؟

اولین هدف، شناسایی استعداد هنرمندان جوان تر است. هدف دیگر نیز شناسایی بهترین اثر هنری هر رشته هنری در طول دوسال است.

درکنار اینها با شناسایی استعداد جوان و بررسی آثار می توان برای پیشبرد هنر در دوسال بعدی برنامه ریزی کرد. دراین صورت شاهد شکل گیری هنری با انسجام و هدفمندی بیشتر و یکدست تر ازنظر تحول سبکی و دوره ای خواهیم بود.

باتوجه به دبیرخانه دائمی که به آن اشاره کردید آیا امکان برپایی یک دوسالانه واحد هنرهای تجسمی در کشور وجوددارد؟ باتوجه به اینکه اولین دوسالانه هنری کشور که در سال ۱۳۳۷ برگزارشد نیز چنین بود؟

بله. این امر امکانپذیر است و در بسیاری از کشورهای دیگر شاهد آن هستیم. شاید یکی از دلایلی که تاکنون چنین دوسالانه ای نداشتیم به مشکلات جمع کردن هنرمندان رشته های مختلف بازمی گردد. ازنظر امکانات برگزاری و حجم عظیم چنین رویدادی، مشکلات بسیاری وجوددارد.

آیا درموزه هنرهای معاصر تهران همچنان به روی دوسالانه های هنری بسته خواهدماند و سیاستگذاری مدیریت قبلی ادامه پیدامی کند؟

به نظر من این تصمیم گیری، صحیح بود. چرا که موزه باید به فعالیت های موزه ای خود بپردازد. یکی از دلایل اصلی برپایی دوسالانه ها در موزه این بود که در سالهای پس از انقلاب، موزه هنوز شخصیت موزه ای خود را پیدا نکرده بود. در عین حال فضای کافی برای برپایی چنین دوسالانه هایی وجود نداشت. خوشبختانه درحال حاضر فضاهای نمایشگاهی دیگری نیز به وجود آمده است. به خصوص با گسترشی که فرهنگستان هنر پیدا کرده و اجازه داده دوسالانه ها در آن برگزار شوند.

اما در هرحال آن فضای نمایشگاهی در اختیار فرهنگستان هنر است و هر وقت که بخواهدمی تواند آن را به هردوسالانه ای بدهد یا ندهد. فکر نمی کنید باید طرحی برای فراهم کردن فضای نمایشگاهی ویژه ای برای دوسالانه ها در نظر گرفته شود؟

چنین طرحی وجود دارد و در کنار موزه هنرهای معاصر فضایی برای آن در نظر گرفته شده بود اما به دلیل مشکلاتی که در سال های گذشته پیش آمد، این طرح عملی نشد. یکی از برنامه های من این است که با حمایت وزارتخانه های فرهنگ ، کار و امور اجتماعی و سازمان های مرتبط مثل شهرداری تهران و فرهنگستان هنر این کار عملی شود و بتوانیم این فضا را احیاکنیم. فکر می کنم طرح جامع آن نیز وجود داشته باشد. مسکوت ماندن آن تاکنون به دلیل وجود بازارچه فعلی دراین محل بود. امیدوارم این درک درست و منطقی شکل بگیرد که فضای هنری به چنین فضایی احتیاج دارد و برای جابه جایی بازارچه تدبیری اندیشیده شود. ما این برنامه را دنبال می کنیم. اما درباره آن مشکلی که در رابطه با فضای فرهنگستان هنر گفتید باید بگویم فرهنگستان همچنان مشغول توسعه آن فضا است و در آینده امکانات بیشتری هم برای سرویس دادن به دوسالانه ها، هم برای کمک به ما و هم برای اجرای برنامه های خود خواهد داشت. همانطور که گفتم ما سعی خواهیم کرد با مراکز دیگر تعامل برقرار کنیم و از توانایی های آن ها در کنار هم استفاده کنیم. در همین راستا، جلسه ای با مهندس میرحسین موسوی داشتیم که محور اصلی صحبتهایمان همین تعامل بود و وقتی بحث برپایی دوسالانه ها مطرح شد نیز ایشان گفتند که از هیچ مساعدتی دریغ نخواهندکرد. ما امیدوار هستیم بتوانیم از این امکانات استفاده کنیم.

برای مثال دوسالانه نگارگری که بنا بود در فرهنگستان هنر برگزار شود اما به دلیل فعالیتهای فرهنگستان این امکان را نیافت، می تواند از فضای فرهنگستان استفاده کند؟

فکر می کنم این اتفاق بیفتد. اما باید این واقعیت را نیز در نظر بگیریم که فرهنگستان هم برای خودش برنامه هایی دارد.

مساله همین است.

باید بتوانیم برنامه های خود را با فرهنگستان هماهنگ کنیم و اگر این هماهنگی انجام شود، مشکلی وجود نخواهد داشت.

بحث دیگر به برپایی اکسپو باز می گردد. سرنوشت اکسپوی تهران چه خواهدشد؟

اکسپوی تهران با کمی ها، کاستی ها و مشکلاتی در سال گذشته شروع شد. دست اندرکاران اصلی اکسپو، شورایی بود که از مدیران نگارخانه ها تشکیل شد اما باوجود این شورا بازهم مشکلات، ناهماهنگی ها و اعتراض هایی وجود داشت. در بین نگارخانه داران این مسأله وجود دارد که هنوز به اتحاد و انسجام لازم دست پیدا نکرده اند. یک بخش از وظایف ما به عنوان مرکز هنرهای تجسمی و مؤسسه توسعه هنرهای تجسمی نیز به این امر باز می گردد که به آنها در تشکیل یک انجمن صنفی کمک کنیم. با شکل گرفتن این انجمن، همه چیز قانونمند خواهد شد و این ناهماهنگی ها کمتر روی خواهد داد. سعی ما این است که از تشکیل انجمن صنفی نگارخانه دارها حمایت کنیم تا در واقع به نفع خودشان و جامعه هنری فعالیت کنند. در کنار این اقدامات، باید اقتصاد هنر نیز ساماندهی شود. اگر اکسپو با برنامه ریزی درست و هماهنگی برپا شود می تواند به پویایی اقتصاد هنر کمک کند. اکسپو نباید رها شود بلکه باید تا زمان لازم از آن حمایت کنیم تا بتواند مستقل شود. نگارخانه داران و هنرمندان نیز باید این هدف را داشته باشند که روی خودشان این نمایشگاه فروش را برگزار کنند و به هیچ مرکز دولتی اتکا نداشته باشند؛ چرا که وقتی کاری، اقتصادی است و سود مالی دارد به طور منطقی باید بتواند هزینه های خود را بدهد در حالی که بسیاری از هزینه های اکسپو را مرکز هنرهای تجسمی و مؤسسه توسعه هنرهای تجسمی تقبل کرده بود از کرایه محل نمایشگاه تا تبلیغات و کاتالوگ اکسپو همه از سوی این نهادها انجام شد. امسال متأسفانه هنوز این اتفاق نیفتاده. گروهی از نگارخانه داران که سال گذشته اکسپو را برگزار کردند هنوز مراجعه ای نداشتند و با گروهی که برای امسال انتخاب شدند نیز ارتباطی برقرار نشده است. البته نشست های پراکنده ای با صاحبان نگارخانه ها داشتیم. از جمله با گروهی که تحت عنوان تعاونی نگارخانه داران تشکیل شده و جلسه ای را با نمایندگان آنها برگزار کردیم. در آن جلسه قرار شد برای ساماندهی اکسپو نشستی با تمامی صاحبان نگارخانه ها برگزار شود که امیدواریم این جلسه تا پایان ماه مبارک رمضان شکل بگیرد.

ادامه دارد

بسمه تعالی

شرکت فاضلاب تهران

آگهی مناقصه عمومی

شرکت فاضلاب تهران در نظر دارد، انجام عملیات ساخت یک دستگاه سوله به ابعاد ۱۳۵×۷۵ متر (۶ دهانه ۱۲/۵ متر) با ارتفاع مفید ۷ متر برای انبار تصفیه خانه جنوبی فاضلاب تهران واقع در جنوب شهر ری را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید.

متقاضیان می توانند برای دریافت اسناد مناقصه حداکثر ظرف مدت یک هفته پس از درج آگهی با در دست داشتن درخواست کتبی و فیش بانکی به مبلغ یکصد هزار ریال (۱۰۰/۰۰۰ ریال) در وجه شرکت فاضلاب تهران جاری ۱۳۱۵۲۴۷۰۶ نزد بانک تجارت باجه شرکت فاضلاب تهران، به دفتر قراردادهای این شرکت واقع در خیابان شهید بهشتی، خیابان اندیشه، نبش اندیشه ۶، شماره ۱۴ مراجعه نمایند.

ضمناً هزینه چاپ آگهی در روزنامه به عهده برنده مناقصه می باشد.

شرکت فاضلاب تهران

شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده های نفتی ایران
شرکت پالایش نفت بندرعباس (سهامی خاص)

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله ای شماره: ۸۴/۴۵۶
مجوز شماره (۵۴۹۷)

این شرکت در نظر دارد، تکمیل ساختمان مسجد واقع در شهرک مروارید را که شرح کامل آن در اسناد مناقصه قید گردیده و میزان سپرده شرکت در مناقصه آن تود و دو میلیون ریال می باشد به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. لذا از کلیه شرکتهای مرتبط که دارای توانایی فنی و مالی بوده دعوت می شود در صورت تمایل، ضمن اعلام آمادگی کتبی برای شرکت در مناقصه از طریق نمابر ذیل، فرم مدارک لازم و شرایط پذیرش پیمانکاران در مناقصات /استعلام بها، شرکت پالایش نفت بندرعباس را که در شبکه اطلاع رسانی این شرکت در هشت صفحه به نشانی WWW.BAORCO.COM موجود می باشد را نیز با دقت کامل تکمیل و به همراه مدارک مربوطه بلافاصله پس از چاپ آگهی نوبت اول تا حداکثر ۱۰ روز کاری پس از انتشار آگهی نوبت دوم به نشانی بندرعباس، صندوق پستی ۷۹۱۴۵/۳۱۸۴ شرکت پالایش نفت بندرعباس، دفتر امور قراردادها، اتاق ۱۴۵ ارسال یا توسط نماینده آن شرکت تحویل نمایند تا ظرف ۱۰ روز پس از مهلت فوق از شرکت کنندگانی که مورد تأیید مراجع زیربط قرار گرفته و امتیاز لازم را اخذ نموده اند برای دریافت اسناد و مدارک مناقصه، دعوت به عمل آید. ضمناً به درخواستها و مدارک واصله بعداز مدت مذکور ترتیب اثر داده نمی شود و این شرکت در رد یا قبول هر یک یا همه پیشنهادات مختار است.

تلفنهای تماس: ۵-۵۵۵۶۴۱۸۰(۰۷۶۱) داخلی ۳۱۵۵ و ۳۱۶۲ تلفاکس: ۵۵۵۴۲۹۵(۰۷۶۱)
سایت اینترنتی ما: WWW.SHANA.IR
WWW.BAORCO.COM
پست الکترونیکی: COUNTR-DEP@BAORCO.COM

روابط عمومی